

مزامیر ۱۰۷

ابراز سپاسگزاری

فدیه‌شدگان، خداوند را چنین سپاس گوید زیرا که او همیشه نیکو، وفادار و محبت است.

در کلام خدا، بسیار از کسانی می‌خوانیم که تجربیات مهمشان را به شکل شعر و غزل مطرح کردند. موسی و مریم تمام قوم را در جشن گرفتن خروجشان با سرود شادی رهبری کردند (خروج ۱۵). وقتی حنای نازا صاحب بچه شد، شکرگزاری را به صورت یک شعر ابراز کرد (۱ سموئیل). زمانی که داوود از مرگ دوستش یوناتان باخبر شد، مرثیه‌ای نوشت و سرود (۲ سموئیل ۱). پادشاهان و انبیا نوشتند و شعر می‌سراییدند. مریم، مادر خداوندمان، اعجاب خود را از انتخاب شدن برای حمل مسیح در شعری ابراز کرد (لوقا ۱). شما چطور وقایع خاص زندگیتان را نشانه‌گذاری می‌کنید؟

در راهروی خانه‌ی ما تابلوی کوچکی با یک سری کلمه آویزان است. "زندگی به سرعت می‌گذرد. اگر چندوقت یکبار مکث نکنی و به دور و برت نگاه نکنی، آن را از دست خواهی داد." ما این تابلو را خریدیم چون من و همسرم معمولاً به این پیغام احتیاج داریم. برخی این روش زندگی را "ذهن‌آگاهی" یا "mindfulness" می‌نامند (روشی برای زندگی که در آن، لذت از مسیر سفر به اندازه‌ی رسیدن به مقصد است). پروسه‌ی بیان یک تجربه در قالب نوشتن، نقاشی کردن، جشن گرفتن یا ساختن چیزی، ما را وامی‌دارد تا درباره‌ی آن تجربه تأمل کنیم. از یاد بردن دست خدا در وقایع زندگی روزمره‌مان خیلی ساده است. با این کار، دلایل کمتری برای شکرگزاری داریم. من متوجه شدم که افراد شکرگزار معمولاً آدم‌های خوشحال‌تری هستند.

مزمور ۱۰۷ با یک فراخوانی واضح برای تمام کسانی که نجات یافته‌اند آغاز می‌شود که نیکویی خدا را در زندگیشان ببینند و بعد شکرگزاریشان را بیان کنند (آیه‌های ۱ و ۲). آیا باید قبل از اینکه احساس شکرگزاری داشته باشیم، بگوییم "شکرت"؟ ابراز شکرگزاری عملی از روی اطاعت است. من متوجه شدم که وقتی شکرگزاریم را در دعا یا شعری بیان می‌کنم معمولاً حس شکرگزار بودن بیشتری ایجاد می‌کند. در این مزمور که یک

شعر است، سراینندگان به یاد می‌آورند که خداوند آن‌ها را از دست دشمن رهانید، و آن‌ها را از شرق و غرب و شمال و جنوب جمع کرد (آیه ۳). تصور این داستان سخت نیست، که بسیاری یهودی بعد از سالها در تبعید از جاده‌ها و با قایق‌ها در حال برگشت به اسرائیل هستند. حالا می‌رسند! برای آن‌ها، درست مثل ما، آسانتر بود که روی دستاوردهای گذشته و آنچه که در آینده باید انجام شود تمرکز کنند و دست خدا را در زندگیشان از یاد ببرند. اگر ما دست خدا را نبینیم، شکرگزارش هم نخواهیم بود. ما نمیدانیم چه کسی این مزمور را نوشته است، ولی پیغام بی انقضای آن برای امروز ما خیلی کاربرد دارد: "ببینید و شادی کنید" (آیه ۴۲).

این مزمور از ۶ قسمت تشکیل شده است. قسمت اول (آیه ۱-۳) فراخوانی است برای دیدن نیکویی خدا و شکرگزاری از او. قسمت آخر (آیه ۳۳-۳۴) فراخوانی است برای دیدن دست قدرتمند خدا، زمان‌هایی که "بیابان را به حوضهای آب بدل می‌سازد و زمین خشک را به چشمه‌های آب" (آیه ۳۵). این اعمال قدرتمندانه، درگیری خدا را در دنیای ما نشان می‌دهد، گاهی ابراز محبت اوست و گاهی دآوری او. کسانی که می‌بینند و متوجه درگیری قدرتمندانه‌ی خدا در آفرینش می‌شوند، صالح و حکیم نامیده می‌شوند (آیه ۴۲-۴۳). بدنه‌ی این مزمور از چهار قطعه تشکیل شده است. این‌ها قابل تشخیص اند زیرا که هریک، از چهار جنبش تشکیل شده‌اند. ابتدا گروهی از نیازمندان توصیف شده‌اند، سپس، این‌ها به درگاه خدا زاری می‌کنند و سپس خدا آن‌ها را نجات می‌دهد، و بعد، هر قطعه با یک فراخوان به شکرگزاری تمام می‌شود. بیایید به نوبت به هریک از این قطعه‌ها نگاه کنیم.

۱. 'زندگی من معنی و سمت و سو را کم دارد' آیه ی ۴-۹

"برخی در بیابان‌های بی‌آب و علف سرگردان شدند، و راه به شهری مسکون نیافتند". در این قطعه، شاعر احتمالاً به واقعه‌ای تاریخی فکر می‌کرده، مثل زمانی که بنی اسرائیل بعد از خروج از مصر سال‌ها در بیابان سرگردان بودند. اما این تصویر، می‌تواند زندگی انسانی را که هدفی ندارد هم توصیف کند. بله، ما صبح زود بیدار می‌شویم، دیر برمی‌گردیم، سخت کار می‌کنیم، دوندگی می‌کنیم، مشغولیم. در دوران قرنطینه، بیماری یا سکون اجباری، آرام آرام با خود فکر می‌کنیم که زندگی مان چه مفهومی دارد. تشنه‌ی یافتن مقصود هستیم. بدون آگاهی پیدا کردن از این تشنگی درونی، هیچ وقت به دنبال آب زنده نخواهیم رفت. "آنگاه در تنگی خویش نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگیهایشان رهایی بخشید. آنان را از راهی راست هدایت کرد، تا به شهری مسکون

درآمدند.“ چرا دنیا اینقدر مشکل دارد؟ آدم‌های کمی هستند که در زمان نبود مشکلات نزد خدا فریاد برمی‌آورند.

پولس رسول در زمانی که زندانی بود، معنی و سمت و سوی زندگیش را اینگونه توصیف کرد: ”می‌خواهم مسیح و نیروی رستائیش را بشناسم و در رنجهای او سهیم شده، با مرگش هم‌مشکل گردم... خود را به پیش می‌رانم تا چیزی را به دست آورم که مسیح عیسی برای آن مرا به دست آورد“ (فیلیپیان ۳: ۱۰-۱۲). این آنچیزی است که تشنگی پولس را برطرف می‌کند! من و تو خواسته شدیم، آفریده شدیم، دوست داشته شدیم، خوانده شدیم و برای هدفی فدیة شدیم. آفریده نشدیم که بی هدف در بیابان بطالت سرگردان باشیم. ” زیرا ساخته دست خداییم، و در مسیح عیسی آفریده شده‌ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم“ (افسیسیان ۲: ۱۰). پدر آسمانی ما پیگیر طرز زندگی ما و انتخاب‌هایی که می‌کنیم است. این حقیقت بی‌نظیر معمولاً از یادمان می‌رود. پس این قطعه با یک فراخوانی برای ابراز شکرگزاری پایان می‌یابد: ”پس خداوند را به سبب محبتش سپاس گویند، به جهت کارهای شگفت‌انگیزش برای بنی‌آدم. زیرا که جان آرزومند را سیر می‌گرداند و جان گرسنه را به چیزهای نیکو پر می‌سازد.“ شاید الآن، لحظه‌ی مناسبی است برای شکر کردن خداوند برای آفریدن تو، برای مشتاق تو بودن و حتی برای فراهم کردن کارهای نیک که تو آن‌ها را انجام دهی!

۲. ’من حس اسارت می‌کنم و کمبود امید دارم‘ آیه ی ۱۰-۱۶

در این دومین قطعه، شاعر احتمالاً به آن افرادی از بنی اسرائیل فکر می‌کرده که در اسارت بودند. ” برخی در تاریکی و ظلمت غلیظ نشسته بودند، زندانیان ظلم و زنجیرهای آهنین؛ زیرا بر کلام خدا طغیان ورزیده، و مشورت آن متعال را نپذیرفته بودند. پس دل‌های ایشان را زیر بار مشقت خم ساخت؛ و لغزیدند و یاری‌رسانی نبود.“ این تصویر، می‌تواند نمایشگر کسانی هم باشد که خودشان را اسیر الکلی، مواد، پورنوگرافی، فضای مجازی، قرض‌های فزاینده، یک گروه مذهبی، انتظارات عموم یا شکل‌های دیگری از ”زنجیرهای آهنین“ کردند. امیال و لذات ما هم می‌توانند ما را اسیر کنند (تیتوس ۳: ۳). خدا از انسان‌ها می‌خواهد که آزادانه انتخاب کنند که او (خدا) را محبت کنند یا انتخاب کنند که برای جلال او زندگی کنند. کمبود آزادی همیشه به خاطر گناه است - گناه خود ما یا گناه دیگران. اگر مدت طولانی ای است که درگیر هستی، امکان دارد که امید خود را از دست بدهی، یا فکر کنی که زنجیرهایت هیچوقت شکسته نخواهند شد.

در درماندگی، اسیران نگاهشان به بالا است: ” آنگاه در تنگی خویش نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگیهایشان نجات بخشید. ایشان را از تاریکی و ظلمت غلیظ بیرون آورد، و بندهای ایشان را بگسست. “ عیسی خداوند اینطور می‌گوید: ” آمین، آمین، به شما می‌گویم، کسی که گناه می‌کند، غلام گناه است. پس اگر پسر، شما را آزاد کند، برآستی آزاد خواهید بود “ (یوحنا ۸: ۳۴-۳۶). با عیسی همیشه امید هست. او از ما دعوت می‌کند که به حضورش بیاویم. او تنها کسی است که می‌تواند زنجیرهای ما را بشکند و ما را آزاد کند. آزاد برای عشق ورزیدن.، برای پیروی کردن و خدمت کردن او. اما به محض اینکه طعم مقداری آزادی را می‌چشیم، براحتی ممکن است بدنبال رویاهای خودمان برویم و برای اهداف دیگری خدمت کنیم. پس، این قطعه‌ی دوم با فراخوانی برای رهاسدگان پایان می‌یابد که به یاد آورند که خدا برایشان چه کرده: ” پس خداوند را به سبب محبتش سپاس گویند، به جهت کارهای شگفت‌انگیزش برای بنی‌آدم. زیرا که درهای برنجین را در هم می‌شکند، و پشت‌بندهای آهنین را دو پاره می‌کند. “

۳. ’من شادی را پیدا می‌کنم ولی زودگذر است‘ آیه ی ۱۷-۲۲

ما انسان‌ها، به راحتی می‌توانیم از شبان نیکویمان پراکنده شویم. حواسمان پرت می‌شود و مجذوب مسائل فرعی می‌شود. ولی بعضی موقع‌ها مثل فرزند گم‌شده، هشیارانه انتخاب می‌کنیم که خدا را رد کنیم یا در برابر خواست و اقتدار او سرکشی کنیم. ما فکر می‌کنیم که می‌دانیم که چه زندگی ای ما را خوشحال خواهد کرد. این‌ها آن دسته از افراد هستند که در قطعه‌ی سوم مزمو ر اشاره شده است. ” برخی به واسطه‌ی راههای عصیانگرانه‌ی خود رنج کشیدند، و به سبب تقصیرات خویش ستم دیدند. جان ایشان از هر خوراکی کراهت داشت، و به دروازه‌های مرگ نزدیک آمدند. “ آسان است که فکر کنیم می‌شود سرکشی کنیم و عواقبی در انتظار نباشد. اما گناه و مرگ همیشه به هم متصلند. آن‌ها جدانشدنی اند مثل خورشید و گرما، یا مثل آب و خیس. کلام در این مورد واضح است: وقتی گناه می‌کنیم، همیشه یک چیزی می‌میرد. این یک قانون است. ولی برخی تأثیرات گناه بلافاصله نمایان نیستند. موسی در دوران جوانی اش، از زندگی سطح بالایش در مصر لذت می‌برد. روحش را برای چند دهه راضی می‌کرد. اما بعد، لذات خودمحورش به پایان رسید. روزی آمد که او متوجه شد که باید یک تصمیم بگیرد. ” او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد. و رسوایی به‌خاطر مسیح را با ارزشتر از گنجهای مصر شمرد، زیرا از پیش به پاداش چشم دوخته بود “ (عبرانیان ۱۱: ۲۵-۲۶). مثل مصرف مواد، لذت گناه همیشه زودگذر و بی دوام است.

قطعه‌ی سوم درباره‌ی کسانی است که این قانون را کشف کرده‌اند. آن‌ها حس افسردگی می‌کنند. آن‌ها حتی لذت غذا خوردن را هم از دست دادند. آن‌ها خود را اینطور یافتند ” به

دروازه‌های مرگ نزدیک آمدند. آنگاه در تنگی خویش نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگیهایشان نجات بخشید. کلام خود را فرستاد و شفایشان داد، و ایشان را از نابودی خلاصی بخشید. شکر که خدای ما خدای نیکویی است. او توبه کار را می‌بخشد. او شکسته قلبان را شفا می‌دهد. او غلامان را آزاد می‌کند. آیا گناهی در زندگیت هست که مانع خوشی یا برکتی که خدا می‌خواهد به تو بدهد می‌شود؟ "راه‌های عصیانگرانه" هیچ وقت عاقبت خوشی ندارد. تشخیص بده، توبه کن و آنچه که اشتباه هست را درست کن. به سویش برگرد. در بخشش، شفا هست! قطعه با یک فراخوانی شاد به پایان می‌رسد. "پس خداوند را به سبب محبتش سپاس گویند، به جهت کارهای شگفت‌انگیزش برای بنی‌آدم. قربانیهای تشکر تقدیم کنند، و با فریاد شادی کارهای او را بازگویند." حالا آن‌ها با قلبی شفا داده شده، می‌توانستند دوباره "سرودهای خوشی" بخوانند!

۴. 'من سرخورده هستم و می‌ترسم' آیه ی ۲۳-۳۲

این قطعه‌ی چهارم درباره‌ی گروهی از تاجران مثبت و ماجراجو است. آن‌ها رویاهای بزرگ دارند و از ریسک کردن نمی‌ترسند. "برخی بر کشتیها رهسپار دریا شدند، و بر آبهای عظیم به تجارت پرداختند." با توجه به شیوه‌ای که قطعه به پایان می‌رسد، برخی نظرشان این است که شاعر احتمالاً به کشتیرانانی که با یونس بودند فکر می‌کرده. "کارهای خداوند را دیدند، اعمال شگفتش را در ژرفا! زیرا او سخن گفت و بادِ توفان را به پا داشت که امواج دریا را برافراشت. به آسمانها بالا رفتند و به ژرفاها فرود آمدند، و در این مهلکه، جانی در ایشان نماند. همچو مستان افتان و خیزان شدند، و عقلشان از چاره‌اندیشی درماند. "تصویر افراد شگفت زده در یک طوفان خطرناک می‌تواند درباره‌ی برخی از ما هم صدق کند که برنامه‌های خوبی برای زندگیمان تنظیم کردیم، رویاهایی برای تحصیلات، کار، تجارت، سفر، دوستان، ازدواج، خانواده، بازنشستگی داریم.. و تا زمانی که انتظارات ما به انجام می‌رسند حس می‌کنیم که خدا ما را برکت می‌دهد. آسان است که وقتی که دریا آرام است و بادهای در جهت موافق می‌وزند ابراز اطمینان به خدا را کنیم. در حقیقت، در این زمان‌ها، تمایز بین اطمینان به خدا و اطمینان به قابلیت‌ها و هوش خودمان سخت است. اما، طوفان‌ها خواهند آمد. همه‌ی ما آن لحظات سخت را وقتی که رویاهایمان نابود می‌شوند، اشتیاقمان کور می‌شود و خداشناسی ساده‌ای که در ذهنمان است با واقعیت نمی‌خواند، تجربه می‌کنیم. حس سرخوردگی می‌کنیم و گیج می‌شویم درست مثل "مستان" و گاهی حتی "عقلمان از چاره‌اندیشی عاجز می‌ماند." تا حالا تجربه اش کردی؟ شاید چند وقت پیش؟

در پریشانی‌شان، این کشتیرانان چشم‌هایشان را از طناب‌ها و امواج برداشتند و به بالا چشم دوختند. " آنگاه در تنگی خویش نزد خداوند فریاد برآوردند، و ایشان را از تنگی‌هایشان بیرون کشید. توفان را آرام و ساکت ساخت، و امواج دریا ساکن گشت. شادمان شدند چون آرامی پدید آمد و ایشان را به بندر مرادشان رهنمون گشت. " ما داستانی به همین شباهت را در انجیل‌ها نیز می‌خوانیم، "استاد، برایت اهمیت ندارد که داریم غرق می‌شویم؟" در مواقع پراسترس، ما هم ممکن است به نیکویی استاد شک کنیم! بعد از آرام کردن طوفان، او از شاگردانش پرسید: "چرا این‌چنین ترسانید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟" (مرقس ۴: ۳۸-۴۱). گاهی خداوند طوفان را آرام می‌کند. اما گاهی هم او انتخاب می‌کند که ما را در چیزی که حس در یک طوفان بی انتها بودن را دارد همراهی کند. هر سفری برای ما فرصتی فراهم می‌کند تا او را بهتر بشناسیم، تا بیشتر به او اعتماد کنیم. اما حتی بعد از طوفان‌های ترسناک و رهایی‌های بزرگ، ما متمایل به فراموش کردن و گذشتن از آن‌ها هستیم. این آخرین قطعه، همانند سه تایی قبل، با فراخوانی مشابه برای ابراز شکرگزاری پایان می‌یابد. "پس خداوند را به سبب محبتش سپاس گویند به جهت کارهای شگفت‌انگیزش برای بنی‌آدم؛ او را در جماعت مردمان تمجید کنند، و در مجمع مشایخ بستایند." در اینجا کشتیرانان تشویق می‌شوند که شکرگزاری‌شان را به همراه بقیه ابراز کنند. شکرگزار بودن نشر پیدا می‌کند. شکرگزار بودن متحد می‌کند!

نتیجه

فراخوانی برای ابراز شکرگزاری که در مزمور ۱۰۷ دیدیم مرتباً در عهد جدید تکرار شده است. ما مسیحیان خوانده شدیم تا "شکرگزار باشیم و خدا را با احترام و تکریم پرستش کنیم"، درخواست‌هایمان را "با شکرگزاری" به حضور خدا بیاوریم، خودمان را وقف "دعا، هشیاری و سپاسگزاری" کنیم، "با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهیم"، "لبریز از شکرگزاری" باشیم (عبرانیان ۱۲: ۲۸؛ فیلیپیان ۴: ۶؛ کولسیان ۲: ۷؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۲). و نه فقط وقتی دعا‌هایمان مطابق خواست و انتظارمان برآورده می‌شود یا وقتی حس می‌کنیم همه چیز خوب پیش می‌رود. پولس رسول می‌نویسد "در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است اراده خدا برای شما در مسیح عیسی" (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۸). خواست خدا برای تو در وضع حاضرت چیست؟ پولس و سیلاس انتخاب کردند که هنگامیکه در زندان بودند هم شکرگزار و جلال دهنده‌ی خدا باشند (اعمال رسولان ۱۶: ۲۵). آیا الآن وقتش است که شکرگزاری را با سرود و نغمه یا سرودن شعر ابراز کنی؟ یا با نوشتن، نقاشی کردن یا درست کردن چیزی؟ یا شاید با زنگ زدن به بعضی از دوستان یا غذا درست کردن و خوردن با دیگران؟ انتخاب کردن ایمان داشتن و پذیرفتن این حقیقت که خدای ما همیشه نیکو، بامحبت و وفادار است به ما کمک خواهد کرد تا شکرگزار باشیم حتی وقتی در شرایط بد هستیم. و با ابراز

سپاسگزاری، حس شکرگزار بودن رشد خواهد کرد. و رفتار شکرگزارانه، مثل یک ویروس، واگیردار است!

فیلیپ نان

مترجم: ثنا

آیندهوفن، هلند

ژانویه ۲۰۲۱

منبع: www.philipnunn.com